

علم أصول الفقه

۱۵

۹۱-۹-۱۱ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

وحدت معنای لفظ

- بر اساس آنچه گذشت، نتیجه می‌گیریم که هر متنی و از جمله متن کتاب (قرآن) و سنت، دارای معنایی هستند و گوینده‌ی آنها معنایی را از آنها اراده کرده است. معنای نهایی متن همان چیزی است که گوینده‌ی آن با کاربرد الفاظ، قصد بیان آن را دارد. در واقع معنای نهایی متن، همان مراد مؤلف (در تعبیر هرمنوتیک) یا همان مقصود و مراد متکلم (در تعبیر اصولی‌ها) یا مدلول جدی سخن (به تعبیر دیگری در اصول) است.

وحدت معنای لفظ

- این معنای نهایی با تحلیل آنچه از الفاظ و معانی در ذهن داریم، به دست می‌آوریم. ما در هنگام سخن گفتن، قصد انتقال معنا به دیگران را داریم و الفاظ را از آن جهت که صلاحیت دلالت بر معنا دارند، به کار می‌بریم. اگر مخاطب از الفاظ ما به معنا منتقل گردد، ما در فرایند انتقال معنا به او و او در دستیابی به معنای مورد نظر ما، موفق بوده است.

وحدت معنای لفظ

- بنابراین وظیفه-ی اولیه-ی ما به عنوان مفسر متن و به عنوان کسی که قصد فهم متنی دارد، درک معنای مراد گوینده است. و در اینجا بین متکلم بشری و غیر بشری فرقی نیست. اگر گمان می شود فرقی وجود دارد، به فهم از معنا باز می گردد نه به رابطه‌ای که بین لفظ و معنا و مراد متکلم وجود دارد.

وحدت معنای لفظ

- به طور مثال از آیهی «لله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً»، با توجه به مبنای دومی که بیان خواهیم کرد، وجوب حج استفاده می‌شود، یعنی بر مردم واجب است که قصد خانه‌ی خدا کنند. اما این که معنای حج چیست؟، واقعیت لله علی الناس (بر عهده‌ی مردم است) کدام است، معنای حج البیت (قصد خانه‌ی خدا) و معنای خود بیت چیست، خارج از این مدلول است.

وحدت معنای لفظ

- در علم الهی یک سری معانی وجود دارد که چه بسا هیچ وقت نمی‌توانیم به آن معانی برسیم یا برای رسیدن به آن عرض عریضی وجود دارد که هر کس بر اساس مرتبه‌ی وجودی خود، می‌تواند سهم و خطی از آن معنا را داشته باشد.

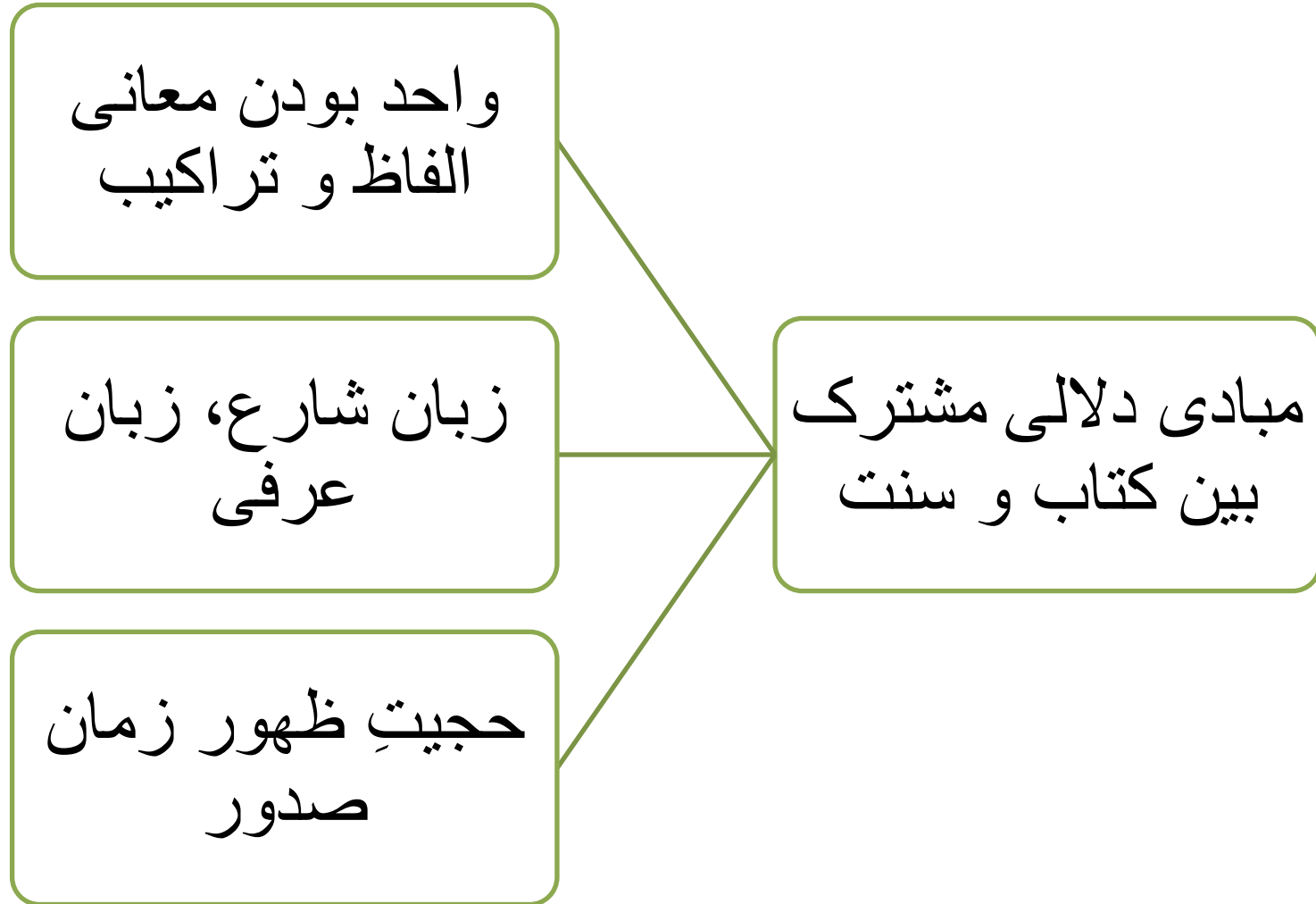
وحدت معنای لفظ

- به عبارت دیگر حیظہی سخن ما در واقع سطح اول ارتباط بین لفظ و معنا را تشکیل می‌دهد. در پس آن ممکن است معانی دیگر وجود داشته باشد که فهم آن برای هر کسی ممکن نیست.
- همان گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، مطالبی را درک می‌کردند که از سطح ارتباط لفظ و معنا فراتر است و مربوط به درکی است که نسبت به خود معنا وجود دارد.

وحدت معنای لفظ

- واضح است که خلط این دو با هم، یعنی ارتباط لفظ و معنا در اولین سطح و آنچه در پس آن در سطوح دیگر قرار دارد، منشأ بسیاری از مغالطات شده است.

مبادی دلالی مشترک بین کتاب و سنت



زبان شارع، زبان عرفی

- مبنای دومی که در اصول و مباحث الفاظ به عنوان یک پیش فرض در نظر گرفته می‌شود، این است که شیوهی سخن شارع در بیان به خصوص در بیان احکام شرعی، شیوهی بیان عقلایی یا به تعبیر دیگر شیوهی عرفی است. شارع یک دستگاہ محاوره‌ای جدا از عقلا و عرف ابداع نکرده است؛ بلکه در بستر زبان عقلایی و عرفی، مفاهیم خودش را بیان نموده است.

زبان شارع، زبان عرفی

- این مبنا که فقها و اصولی‌ها آن را امری مسلم شمرده‌اند، پیش فرض تمامی مباحث الفاظ در علم اصول بوده و اجتهاد کلاً بر اساس آن سامان یافته است. علت مسلم بودن این مبنا، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ عقلی قابل بررسی است و با بررسی هر یک از آنها به نتیجه‌ی واحدی دست خواهیم یافت. اما قبل از بررسی آنها باید به نکته‌ای اشاره نماییم:

زبان شارع، زبان عرفی

- هدف ما در مباحث الفاظ علم اصول، تحلیل ساختارهایی است که در لسان شارع به کار می‌رود. یعنی اگر از ظهور امر در وجوب صحبت می‌کنیم، برای آن است که بفهمیم صیغهی امر در لسان شارع به چه معنا است. اگر شارع به چیزی امر نکرده بود، داعی نداشتیم از صیغهی امر و ظهور آن صحبت نماییم.

زبان شارع، زبان عرفی

- اما از آنجا که شارع در بیان، همان شیوهی عقلایی را انتخاب نموده است، در هنگام تحلیل صیغهی امر، فقط به اوامر شارع توجه نمی‌کنیم. ما در واقع ظهور عقلایی و عرفی این صیغه را با قطع نظر از این که در چه زبانی یا در چه متنی و توسط چه متکلمی به کار رفته، تحلیل می‌کنیم و در استعمال الفاظ، شارع را با غیر شارع یکسان می‌بینیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- بنابراین در تمامی مباحث الفاظ، به تحلیل زبان عقلایی می‌نشینیم، در حالی که هدف ما تفسیر متون شرعی است؛ نه متون غیر شرعی. اصول اصلاً به متون غیر شرعی کاری ندارد؛ اما به دلیل این که شیوه‌ی سخن شارع همان شیوه‌ی عقلایی است، تحلیلی که ارایه می‌کند، عام و شامل است.